



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اخلاق اسلامی

۳

سخن فزینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سر سرفرازی

نویسنده:

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سر سرفرازی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۳	پیشگفتار
۱۵	سخن آغازین
۱۷	معنای تواضع
۱۷	اشاره
۱۸	چرا تواضع؟
۱۸	الف) تکبر، دروغ بزرگ:
۱۹	ب) آثار شوم کبر:
۲۰	ج) تواضع باب برکات:
۲۰	اهمیت تواضع
۲۴	آثار و نتایج تواضع
۲۴	۱. رشد عقلانیت
۲۴	اشاره
۲۵	همه چیز درباره فیل!!!
۲۵	نمونه هایی از تواضع علمای ربانی
۲۷	تواضع حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری
۲۷	فروتنی در برابر شاگرد
۲۹	۲. علم آموزی
۲۹	اشاره
۲۹	حکایتی زیبا

- ۳۰ فروتنی حضرت آیت الله گلپایگانی
- ۳۱ ۳. دوری از گناه
- ۳۱ ۴. آرامش و راحتی
- ۳۱ اشاره
- ۳۲ دعوی حضرت سلمان
- ۳۲ ۵. عزت و سربلندی
- ۳۴ ۶. توفیق عبادت
- ۳۵ ۷. تواضع و دوری از عذاب قیامت
- ۳۶ ۸. فروتنی و کامل شدن نعمت ها
- ۳۷ تواضع حضرت رضا علیه السلام
- ۳۸ زمینه های تکبر و ورزیدن
- ۳۸ اشاره
- ۳۹ چرا متکبر می شویم؟
- ۴۱ آیا ما متکبریم؟
- ۴۲ تواضع حضرت سجاد علیه السلام
- ۴۶ راه های تقویت فروتنی و تواضع
- ۴۶ ۱. راهکارهای معرفتی
- ۴۶ الف) خداشناسی:
- ۴۶ اشاره
- ۴۷ داستان اختلاف پشه و باد
- ۴۸ ب) هستی شناسی:
- ۴۹ ج) خودشناسی:
- ۵۱ مرحوم ملا احمد نراقی می فرمایند:
- ۵۱ اشاره
- ۵۱ ۲. راهکارهای عملی
- ۵۱ الف) مخالفت با نفس:

ب) عبادت و تذلل در برابر حضرت حق: ۵۲

ج) مطالعه زندگی انسان های موفق: ۵۳

د) برطرف نمودن حقارت ها: ۵۴

ه) بی توجهی به پیشرفت های ظاهری: ۵۴

تذکرات ۵۶

اشاره ۵۶

۱. تواضع زشت ۵۶

۲. تکبر زیبا ۵۷

۳. تواضع دروغین: ۵۹

۴. تواضع برتر: ۶۰

فهرست منابع: ۶۱

درباره مرکز ۶۳

سر سرفرازی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: سر سرفرازی

مشخصات نشر: تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، [1387].

مشخصات ظاهری: 55ص؛ 10×19 س م.

فروست: اخلاق اسلامی؛ 3.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی: 5279544

خیراندیش دیجیتال: کانون فرهنگی اندیشه اصفهان

ویراستار کتاب: حدیثه کریمی

ص: 1

اشاره

سیر سرفرازی

از سری کتاب های اخلاق اسلامی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: 10000

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خ صفاییه، کوی ممتاز، کوی 7، پلاک 32 مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: 0251-7746431

نمابر: 0251-7737131

ص: 4

فهرست

پیشگفتار...6

سخن آغازین...8

معنای تواضع...10

اهمیت تواضع...13

آثار و نتایج تواضع...17

زمینه های تکبر ورزیدن...31

راه های تقویت فروتنی و تواضع...39

تذکرات...49

فهرست منابع...54

ص: 5

اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه ی بشری اگر وجود داشت انسان ها می توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند؛ اخلاق که نبود، بی اخلاقی وقتی حاکم شد، حرص ها، هوای نفس ها، جهالت ها، دنیا طلبی ها، بغض های شخصی، حسادت ها، بخل ها، سوء ظن به یکدیگر وارد شد، وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد، زندگی سخت خواهد شد. فضا تنگ خواهد شد. قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد.

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (دام ظلّه)

تاکیدات مکرر امام خامنه ای بر لزوم رعایت مسائل اخلاقی، در طول سال های گذشته نشان از این دارد که توجه و دقت به امر اخلاق، یک مسئله راهبردی و حیاتی برای جامعه اسلامی است. در واقع رهبری معظم انقلاب به عنوان ناخدای کشتی انقلاب، همواره با تیزبینی و دقت نظر داهیهانه خود، تلاش نموده تا نظام آفت ها و آسیب های موجود بر سر راه تعالی و پیشرفت نظام را شناسایی کرده و آن ها را برطرف نماید. تذکرات پیاپی معظم له در باب اخلاق، دقیقا از همین سنخ و به منظور جلوگیری از بروز انحراف در حرکت تاریخی ملت ایران است.

دبیرخانه گسترش اخلاق اسلامی به عنوان پاسخی به فرمایشات امام خامنه ای (مدظله العالی)، در معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه استقرار یافته و تلاش دارد تا گام هایی در مسیر ترویج اخلاق در جامعه بردارد. یکی از این اقدامات تهیه و تولید کتاب های کم حجم با موضوع رذائل و فضائل اخلاقی است که نمونه ای از آن پیش روی شما قرار دارد. در این اثر سعی شده تا با تکیه بر آیات و روایات و کلمات بزرگان دین، و در عین حال با رعایت اختصار، یک موضوع مهم اخلاقی، بررسی شود. در این جا لازم است از پژوهشگران موسسه فرهنگی دار الهدی که در تهیه این آثار، دبیرخانه را یاری داده اند تشکر نماییم. ضمناً از خوانندگان محترم درخواست می شود که با انتقادات و پیشنهاد های خود، ما را در تهیه آثار بهتر یاری نمایند.

دبیرخانه گسترش اخلاق اسلامی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ص: 7

طور خاصی راه می رود. گردن و شانه هایش را بالا می گیرد. وقتی می خواهد با کسی صحبت کند، سرش را زیر می اندازد و با گوشه چشم، اخم نموده، به او نگاه می کند. همیشه گویا از بالا به دیگران نگاه می کند. سلام کردن به دیگران برایش خیلی سخت است؛ به خصوص اگر آن ها کوچک تر یا از نظر موقعیت اجتماعی پایین تر باشند. کار کردن در منزل را که اصلاً دوست ندارد. همین که به او پیشنهاد کار در منزل را بدهند می گوید: «من» این کار را بکنم؟! تحمل کوچک ترین بی احترامی را ندارد. اگر احساس کند که به او بی حرمتی شده، به شدت به هم می ریزد و مرتب به اطرافیانش می گوید: «می دانی با کی داری حرف می زنی؟!» تا به حال یک مرتبه هم با کارگزارانش هم غذا نشده است. خیلی متوقع است. حتماً باید بالای مجلس بنشیند؛ وگرنه می گوید به من بی احترامی کردند و دیگر دعوتشان را قبول نمی کند. خدا نکند کسی از او انتقاد بکند. خیلی عصبانی می شود؛ به خصوص اگر بچه ها یا خانمش یا کارگزارانش باشند. خیلی اهل فخر فروشی و به رخ کشیدن اموالش به دیگران است.

به همین علت در حالی که ظاهراً آزاد است، حقیقتاً در زندان زندگی می‌کند. تنها و غریب است. کم‌تر کسی دوستش دارد؛ ولی خودش نمی‌خواهد قبول کند که راه را اشتباه رفته است.

آن چه خواندید حالات و رفتار انسان‌های متکبر است. شاید این حالات در ما به این شدت نباشد، اما چه بسا درجات کم‌ترش در رفتار ما وجود داشته باشد. در نظر داشته باشیم کسانی که به این درجه از تکبر رسیده‌اند، آرام آرام و تدریجاً تا این حد متکبر شده‌اند. آنچنان این تغییر رفتار تدریجی بوده که خودشان متوجه آن نشده‌اند. اگر الان به آن‌ها بگویید که متکبر هستید، قبول نمی‌کنند. ممکن است ما هم اگر دیر بجنسیم دچار این روحیه بشویم. از کجا بفهمیم متواضع هستیم یا متکبر؟ تکبر و تواضع چه آثار و نتایجی در بر دارد؟ چرا افتادگی بهتر است؟ راه‌های تقویت خاکساری و تواضع چیست؟ در کجا تواضع زشت است؟ در برابر گناهکاران و کافران هم باید تواضع کرد؟ این‌ها سؤالاتی است که اگر همراه ما باشید، در این نوشتار پاسخ آن‌ها را با هم مرور خواهیم نمود.

ص: 9

استاد بزرگ اخلاق اسلامی، مرحوم ملا احمد نراقی رحمه الله علیه تواضع را چنین تعریف کرده است:

«تواضع عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم و اکرام دیگران بکند». (1)

ایشان در تعریف کبر نیز چنین می فرمایند:

«کبر حالتی است که آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و اعتقاد به برتری خود بر دیگران داشته باشد». (2)

امام صادق علیه السلام درباره معنای تکبر فرموده اند:

«هر که بر این باور باشد که از دیگران برتر است، در شمار مستکبران است. راوی عرض کرد: اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی گناهی و پاکدامنی خود، خویشتن را از او برتر بداند چه؟ امام فرمود: هیئات هیئات! چه بسا که او آمرزیده شود،

ص: 10

1- ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص: 300، با اندکی ویرایش.

2- همان ص: 287، با اندکی ویرایش.

اما تو را برای حسابرسی نگه دارند؛ مگر داستان جادوگران موسی علیه السلام را نخوانده ای؟» (1)

منظور ساحرانی بودند که در ابتدا قصد کمک به فرعون و غلبه بر حضرت موسی را داشتند، اما پس از مشاهده معجزه حضرت موسی، ایمان آوردند و در راه خدا شهید شدند.

چرا تواضع؟

الف) تکبر، دروغ بزرگ:

تکبر و کبريائي زبنده کسی است که ذاتاً بی نیاز و عظیم است؛ نه انسانی که همه وجودش فقر و نیاز است. چنان که حضرت حق در قرآن فرمودند:

﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (2) و برای او است کبریا و عظمت در آسمان ها و زمین، و او است عزیز و حکیم!

در حدیث شریف هم داریم که حضرت حق فرمود:

﴿الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي، فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَلْقَيْتُهُ فِي النَّارِ﴾ (3) «کبریا، ردای من است و بزرگی، تن پوش من. پس هر که بر سر یکی از این ها با من بستیزد، او را در آتش افکنم».

امام علی علیه السلام در روایتی زیبا فرمودند: «اگر بنا بود خداوند به احدی از بندگانش رخصت تکبر دهد، هر آینه این رخصت را به خاصان از انبیا و اولیای خود می داد. اما خداوند سبحان، تکبر را برای آنان نیز ناخوش داشت و فروتنی را برایشان پسندید». (4)

ص: 11

1- کلینی، کافی، ج 8، ص 128.

2- جائیه: 37.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 192.

4- نهج البلاغه، ص 290.

تکبر از آن جهت زشت و زننده است که در واقع دروغی عملی است. انسان متکبر با رفتار خود بیان می کند که بزرگ، با عظمت و بی نیاز ... است. در حالی که انسان هر چه هم ثروتمند، قدرتمند و عالم باشد، از جهات متعدد ضعیف و ناتوان است. علاوه بر این، انسان های دارا نیازشان به خدا بیش تر از انسان های ضعیف است؛ چراکه بیش تر از او عنایت گرفته اند و نیاز بیش تری دارند تا خداوند عنایتش را به ایشان ادامه دهد. انسانی که عین فقر و نیاز به خدا است، هر قدر هم که بزرگ شود، باز نیازمند و فقیر است؛ مانند تصویر روی پرده سینما که هر چه بزرگ تر باشد، نیاز دارد تا از دستگاه پروژکتور نور بیش تری را دریافت کند.

(ب) آثار شوم کبر:

علت پرهیز از تکبر و توصیه به تواضع، آثار و آفاتی است که تکبر برای صاحب خود به وجود می آورد. بسیاری از مشکلات اخلاقی و رفتارهای زشت، ریشه در وجود کبر در قلب انسان دارد. از این رو بیرون نمودن کبر از دل، یعنی دور کردن علت بسیاری از گناهان. عالم ربانی مرحوم ملا احمد نراقی در این زمینه می فرماید:

و بدان که کبر از اعظم صفات رذیله است و آفت آن بسیار و غائله آن بی شمار است. چه بسیارند از خواص و عوام که به واسطه این مرض به هلاکت رسیده اند. و بسی بزرگان ایام، که به این سبب گرفتار دام شقاوت گشته اند. اعظم حجاب است که آدمی را از وصول به مرتبه فیوضات باز می دارد، و بزرگ ترین پرده است برای مشاهده جمال سعادات؛ زیرا که این صفت، مانع می گردد از کسب اخلاق حسنه. چون به واسطه این

صفت، آدمی بر خود بزرگی می بیند که او را از تواضع و حلم، و قبول نصیحت، و ترک حسد و غیبت و امثال این ها منع می کند. بلکه خُلُق بدی نیست مگر این که صاحب تکبر محتاج به آن است به جهت محافظت عزت و بزرگی خود. و هیچ صفت نیکی نیست، مگر این که از آن عاجز است به سبب بیم فوت برتری خود. (1)

ج) تواضع باب برکات:

تواضع باب رسیدن به بسیاری از برکات و خیرات است و تکبر، یعنی محروم کردن خود از این در و بستن آن. از این رو در ادامه به اهمیت و آثار زیبای این صفت پسندیده در دین آسمانی زیبای اسلام می پردازیم.

اهمیت تواضع

در قرآن کریم آیات متعددی در مورد خصلت زیبای تواضع وجود دارد. از جمله در سوره مائده درباره صفات گروهی که محبوب خداوند هستند، می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ...؛) (2) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند). خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت هستند...

ص: 13

1- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص 287.

2- مائده: 54.

این آیه شریفه اشاره به این دارد که تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان و صلابت و سرسختی در مقابل کافران، باعث جلب محبت و رحمت خدا خواهد شد.

در سوره فرقان خصوصیات بندگان خدا این چنین بیان شده است: (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (1)

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آن ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن ها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند).

این آیه نیز بر تواضع و فروتنی در برابر دیگران تأکید دارد و بیان می دارد بندگان خداوند رحمان، راه و رفتارشان متواضعانه است و در برخورد با دیگران حتی اگر جاهل باشند، با رحمت و شفقت و تواضع برخورد می کنند.

تواضع و فروتنی، به قدری در نظر خداوند متعال محبوب و دوست داشتنی است که به برترین و عزیزترین بنده خود، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستور می دهد در برخورد با دیگران تواضع و فروتنی داشته باشد:

(وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛) (2) «و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر!»

تعبیر لطیف قرآن که می فرماید: «بال خود را برای مؤمنان بگستران»، بیانگر این است که حضرت حق، حتی از بهترین و بالاترین بنده خود نیز اوج تواضع و فروتنی را انتظار دارد. علاوه

ص: 14

1- فرقان: 63.

2- شعراء: 215.

بر این، این آیه نشان دهنده شدت علاقه خداوند متعال به بندگان مؤمن خویش است؛ تا جایی که به عزیز ترین بنده خود دستور می دهد که بال و پرش را برای بندگان با ایمان پهن کند.

در سخنان اهل بیت علیهم السلام هم روایات فراوانی در تأکید و سفارش به تواضع، و نکوهش تکبر وارد شده است. از جمله، امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند گرامی شان می فرمایند:

(عَلَيْكَ بِالتَّوَّاضِعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ؛) (1) «بر تو باد که همیشه متواضع باشی؛ چراکه تواضع از عظیم ترین عبادات الهی است».

آن زمان که انسان برای خدا در برابر بندگان خدا فروتنی کند، گویا به نماز ایستاده و به عظیم ترین عبادت خدا مشغول است.

در خطبه زیبای متقین، حضرت علی علیه السلام خلق و خوی متقین را چنین ترسیم می کنند:

(مَشِيهِمُ التَّوَّاضِعُ؛) (2) «مشى و مرامشان متواضعانه است».

در نقطه مقابل، اهل بیت علیهم السلام هشدارهای تکان دهنده ای درباره تکبر داده اند. به چند نمونه از این گونه احادیث که از حضرت علی علیه السلام نقل شده است اشاره می کنیم:

* (إِيَّاكَ وَالْكِبْرَ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَالْأَمُّ الْعُيُوبِ وَهُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ؛) (3) بپرهیز از تکبر که آن بزرگ ترین گناه و دردناک ترین عیب ها و زیور ابلیس است.

* (احْذَرِ الْكِبْرَ؛ فَإِنَّهُ رَأْسُ الطُّغْيَانِ وَ مَعْصِيَةُ الرَّحْمَانِ؛) (4) از تکبر حذر کن؛ چرا که آن ریشه طغیان و نافرمانی خدای مهربان است.

ص: 15

1- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 72، ص 119.

2- نهج البلاغه، ص 303.

3- آمدی، غرر الحکم، ص 309.

4- همان.

*از کاری که خدا با ابلیس کرد پند گیرید. آن گاه که به خاطر لحظه ای تکبر، کار طولانی و کوشش طاقت فرسای [عبادی] او را بر باد داد! پس، بعد از ابلیس [با آن همه مقامی که داشت] کیست که با معصیتی چون معصیت او از خشم و کيفر خدا ایمن باشد؟ (1)

*فرجام ناگوار تکبر را در نظر بگیرید که بزرگ ترین دام و سترگ ترین نیرنگ شیطان است و چونان زهرهای کشنده در دل های مردان فرو می رود. هرگز چیزی مانع نفوذ آن ها نمی شود و هیچ کس از آن ها در امان نیست؛ نه عالم به خاطر علمش و نه تهی دست به سبب جامه فرسوده اش. (2)

* (مَنْ كَانَ مُتَكَبِّرًا لَمْ يُعَدِّمِ التَّكْفُ)؛ (3) کسی که متکبر باشد از تلف شدن در امان نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روایت ذیل، ضمن هشدار درباره کبر، معنای آن را روشن فرمودند:

«کسی که ذره ای کبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی شود. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله، گاهی برخی از ما دوست دارد که رفتارش یا لباسش [در نظر دیگران] بهتر باشد. [آیا این کبر است؟] حضرت فرمودند: خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد. تکبر این است که در برابر حق سرکشی نمایی و مردم را تحقیر کنی». (4)

ص: 16

1- نهج البلاغه، ص 287.

2- همان، ص 294.

3- آمدی، غرر الحکم، ص 310.

4- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 192.

اشاره

یکی از اموری که در برطرف شدن همه مشکلات تأثیر فراوانی دارد، میزان قدرت عقلانیت انسان است. هر چه انسان عاقل تر باشد، در ابعاد مختلف زندگی موفق تر خواهد بود. چنان که حضرت امیر علیه السلام می فرمایند:

(الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلِّ أَمْرٍ؛) (1) «عقل اصلاح کننده هر امری است».

از طرفی بین رشد عقلی انسان و تواضع، نسبت مستقیمی برقرار است. هر چه تواضع شخص در برابر حق و دیگران بیش تر باشد، عقل و علم او بیش تر خواهد شد و هر چه عقل و علم او رشد کند، افتاده تر خواهد بود.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: حضرت لقمان پسرش را این چنین سفارش نمود که:

(تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ.) (2) در برابر حق تواضع کن که

ص: 17

1- آمدی، غرر الحکم، ص 51.

2- کلینی، الکافی ج: 1 ص: 15

اگر چنین بودی عاقل ترین مردم خواهی بود.

همه چیز درباره فیل؟!!

سه جانورشناس فرانسوی برای تحقیق درباره فیل عازم جنگل های آفریقا شدند. یکی از آن ها بعد از یک سال به کشورش برگشت و کتابی چاپ کرد به نام همه چیز درباره فیل. دومی بیش تر تحقیق کرد و بعد از دو سال، نتیجه تحقیقاتش را در دو جلد کتاب با عنوان درباره فیل بیش تر بدانیم چاپ کرد. اما تحقیقات جانورشناس سوم به مدت پنج سال طول کشید و در نهایت چهار جلد کتاب درباره فیل تحت عنوان مقدمه ای بر شناخت فیل به چاپ رساند!

این داستان مثالی بود برای این مطلب که همواره عالمان حقیقی دارای بیش ترین تواضع بوده اند. هر چه انسان عالم تر و عاقل تر شود، تواضع بیش تری می کند. انسان های جاهل اهل ادعا و تکبر هستند.

نمونه هایی از تواضع علمای ربانی

تواضع مرحوم امام خمینی (رحمة الله علیه)

امام خمینی، این پیر فرزانه که تمام عمر خود را جهت خدمت به اسلام و پیشبرد اهداف و مقاصد عالی آن سپری کرده بود، وقتی در مقابل جوانان از جان گذشته ای قرار گرفت که عازم جبهه های نبرد بودند، ضمن بیان این که در مقابل آن ها احساس کوچکی می کند، تواضع و فروتنی را به اوج رساند تا جایی که خطاب به آن ها فرمود:

من به این چهره های نورانی و بشاش شما، و به این گریه های شوق شما حسرت می برم. من احساس

حقارت می‌کنم. من وقتی با این چهره‌ها مواجه می‌شوم و این قلب‌هایی که به واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره‌ها اثر گذاشته است، احساس حقارت می‌کنم. من غیر از دعا که بدرقه شما کنم، چیزی ندارم که به شما بکنم. من چطور به این احساسات خداگونه و به این توجهاتی که شما به خدای تبارک و تعالی دارید، و به این عزم راسخ شما و این شجاعت بی نظیر شما، چطور من می‌توانم از شما ستایش کنم؟ (1)

ایشان در جایی دیگر فرمودند:

«من دست و پای شما را که دست خدا بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم».

زمانی که خبر شهادت نوجوانی سیزده ساله‌ای را به او دادند که با کمال رشادت جان خود را فدای انقلاب و اسلام کرده بود، به یک باره چنان خود را در مقابل این از خود گذشتگی حقیر دید که اظهار داشت:

«رهبر من این پسر سیزده ساله است».

ایشان خطاب به همه علمای اسلام فرمودند:

«من که این جا نشسته‌ام دست تمام مراجع را می‌بوسم؛ تمام مراجع این جا، نجف، سایر بلاد، مشهد، تهران، هر جا هستند. دست همه علمای اسلام را من می‌بوسم». (2)

«روحانیون با هم هستند. من باز تمام روحانیین را تعظیم می‌کنم؛ دست تمام روحانیین را می‌بوسم. آن روز اگر دست مراجع را بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم [گریه حضار]. من امروز دست بقال

ص: 19

1- صحیفه امام، ج 13، ص 391.

2- همان، ج 1، ص 307.

را هم می بوسم [گریه شدید حضار]». (1)

«اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند». (2)

نواضع حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری

از مرحوم آخوند ملا علی همدانی نقل شده که فرمود:

در منزل حاج شیخ ابوالقاسم قمی که یکی از علمای بافضیلت بود نشسته بودیم. حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که مرجع تقلید وقت بودند، تشریف آوردند. پس از نشستن، مسئله ای را مطرح فرمودند و به آقای حاج شیخ ابوالقاسم فرمودند: نظر شما در این مسئله چیست؟ ایشان مقداری تأمل کرده سپس جواب مسئله را بیان کردند. حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری فوراً خادمش را صدا زد، فرمود: از اراک این مسئله را از من سؤال کرده اند و من جوابش را نوشته ام که بیایند ببرند. زود برو نگذار آن کاغذ را ببرند. آن جوابی که نوشته ام اشتباه بوده، همین جوابی که آقا بیان فرمودند به نظرم صحیح تر است. (3)

فروتنی در برابر شاگرد

آیت الله سید مصطفی خوانساری یکی از شاگردان آیت الله بروجردی درباره تواضع ایشان می فرمودند:

ص: 20

1- همان، ص 418.

2- همان، ج 12، ص 456.

3- حسینی، مردان علم در میدان عمل، ص 177.

روزی یکی از شاگردان ایشان به نام آقا شیخ علی در جلسه درس اشکالی را مطرح کرد و از جواب استاد قانع نشد و آن را رد کرد. حضرت آقای بروجردی از این کار ناراحت و قدری عصبانی شدند.

بعد از نماز مغرب و عشاء خدمتکار استاد پیش من آمد و گفت که ایشان خواسته است تا نزد آیت الله بروجردی بروم. بنده هم نماز عشاء را با عجله تمام کردم و به خدمتشان رسیدم. به من فرمودند: این چه حالتی بود که از من صادر شد؟ یک نفر عالم را رنجاندم. الان باید بروم و دستش را ببوسم و از شیخ علی بخواهم که از من بگذرد و بعد نماز مغرب و عشاء را بخوانم.

عرض کردم: ایشان تا دو ساعت دیگر به منزل نمی آیند. بگذارید به ایشان اطلاع دهم که آقا فردا به خانه شما می آید. آقا نظر مرا قبول کرد و وقتی که صبح شد، بعد از برگشتن از حرم دیدم حضرت استاد منتظر من هستند. در معیت ایشان به منزل آقا شیخ علی رفتیم. وقتی وارد منزل شدیم، آیت الله بروجردی خواست تا دست آقا شیخ علی را ببوسد؛ ولی ایشان مانع شد. حضرت استاد با نهایت تواضع فرمودند: آقا از من بگذرید، از حالت طبیعی خارج شدم و به شما پرخاش کردم. آقا شیخ علی گفت: شما سرور مسلمین هستید، برخورد شما باعث افتخار من بود. آقا دوباره تکرار کردند، از من بگذرید! مرا عفو کنید! (1)

ص: 21

اشاره

یکی از مشکلات انسان های متکبر این است که نمی توانند به جهل و ضعف خود اقرار بکنند. سؤال کردن از چیزی که نمی دانند برایشان خیلی سخت است. اگر چیزی را ندانند، بعضاً به دروغ، اشتباه جواب می دهند تا جهل خود را بپوشانند. از این رو حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

(لا يَتَعَلَّمُ مَنْ يَتَكَبَّرُ؛) (1) «کسی که تکبر می کند چیزی یاد نمی گیرد». در نقطه مقابل، انسان متواضع به راحتی در مورد آن چه نمی داند سؤال می کند. در برابر کوچک تر از خود زانوی شاگردی می زند و حتی از فرزند خود می پرسد تا بیش تر بداند و رشد کند. به همین علت امیرالمؤمنین علیه السلام تواضع را نردبان شرافت، ترقی و رشد می دانند. (2)

حکایتی زیبا

شخصی سوار بر اسب به نهری رسید که آب کمی داشت و اسب می توانست به راحتی از آن عبور کند؛ ولی اسب ایستاد. صاحب اسب هر چه افسار حیوان را کشید، اسب جلو نرفت. به پشت او کوبید، باز هم اسب حرکت نکرد. مرد حکیمی که این صحنه را مشاهده می کرد به او گفت: آب را گل آلود کن، اسب از نهر رد می شود. مرد آب را گل کرد. اسب حرکت کرد و از نهر گذشت. صاحب اسب، حکمت این کار را پرسید. مرد حکیم پاسخ داد: آب که تمیز است، اسب خود را در آن می بیند و حاضر نمی شود پا روی

ص: 22

1- آمدی، غرر الحکم، ص 65.

2- همان، ص 249.

خود بگذارد؛ لذا حرکت نمی کند.

افرادی هم که خود را ببینند (مقام خود، منافع خود، قبیله خود، حزب خود و...) حاضر نمی شوند پا روی آن بگذارند؛ به همین علت حرکت و تکاملی ندارند. کسی که خود را ببیند، از دیدن کمالات دیگران هم عاجز می شود. (1)

یکی قطره باران زابری چکید *** خجل شد چو پهنای دریا بدید

که جایی که دریا است من کیستم *** گر او هست حقا که من نیستم

چو خود را به چشم حقارت بدید *** صدف در کنارش به جان پرورید

سپهرش به جایی رسانید کار *** که شد نامور لؤلؤ شاهوار

بلندی از آن یافت کو پست شد *** در نیستی کوفت تا هست شد

فروتنی حضرت آیت الله گلپایگانی

قاری جوانی از مصر مهمان جمهوری اسلامی ایران بود. وقتی به زیارت آیت الله گلپایگانی (قدس سره) در قم نائل شد، حضرت آیت الله گلپایگانی به او که سنی مذهب بود فرمود: ممکن است حمد و سوره ام را برای شما بخوانم تا ببینید چطور است؟

اوج تواضع را می توان در این داستان مشاهده کرد که عالم و

ص: 23

1- محسن قرائتی، پرسش های مهم پاسخ های کوتاه، ص 69.

مرجع‌ی نود ساله حمد و سوره اش را برای تصحیح نزد جوانی کم سن و سال می خواند. (1)

3. دوری از گناه

رفتار انسان‌ها ریشه در خصلت‌های شخصیتی آن‌ها دارد. از این رو برای درمان رفتارها باید شخصیت‌ها و تفکرات اصلاح شود.

بسیاری از گناهان و رفتارهای زشت، ریشه در تکبر افراد دارد. مسخره کردن، دروغ گفتن، ضایع نمودن حق دیگران و غیبت، نمونه‌ای از گناهانی هستند که انسان متکبر بعضاً به آن مبتلا می‌شود تا بزرگی و برتری خود را ثابت نموده، آن را ظهور و بروز دهد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آزمندی و تکبر و حسادت، انگیزه‌های فرو رفتن در گناهانند». (2)

4. آرامش و راحتی

اشاره

خیلی اوقات انسان به خاطر کوچک‌ترین بی‌احترامی که از دیگران می‌بیند دچار ناراحتی و اندوه می‌شود. هر چه تکبر افراد بیش‌تر باشد، در این‌گونه صحنه‌ها ناراحتی‌شان بیش‌تر می‌شود؛ تا حدی که گاهی کار به دعوای فیزیکی هم کشیده می‌شود. در مقابل، انسان متواضع راحت‌تر از کنار این قضیه می‌گذرد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (3)

ص: 24

1- خاطرات قرآنی، ج 1، ص 116.

2- نهج البلاغه، ص 540.

3- فرقان: 63.

هر گاه انسان جاهلی با آن‌ها برخورد می‌کند، آن‌ها با کمال متانت و آرامش برای او سلامت و امنیت آرزو می‌کنند. از این رو خیلی کم تر درگیر شده، از اعصاب راحت تر و آرامش فکری بیش تری برخوردار هستند.

دعای حضرت سلمان

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

میان سلمان فارسی و مردی مشاجره ای در گرفت. آن مرد به سلمان گفت: مگر تو که هستی ای سلمان؟ سلمان گفت: آغاز من و تو، هر دو، نطفه ای نجس بود و فرجام من و تو لاشه ای گندیده است و چون روز قیامت شود و ترازوها نصب گردد، هر کس ترازوی اعمالش سنگین باشد، شریف تر است و هر کس ترازویش سبک باشد، فرومایه تر. (1)

5. عزت و سربلندی

برخلاف برخی که تصور می‌کنند اگر فروتنی نمایند و مثلاً زودتر سلام کنند کوچک می‌شوند، تواضع باعث می‌شود انسان در اجتماع آبروی بیش تری کسب کند. همه انسان‌ها با هر مرام و آیینی، فطرتاً انسان متواضع را دوست دارند و از انسان متکبر بیزار هستند. لذا متکبر خیال می‌کند که در نظر دیگران مهم است؛ اما افراد در دل به او به چشم حقیر و مریض روانی نگاه می‌کنند. امام علی علیه السلام فرمودند:

«ثمره فروتنی دوستی است. (2) ثمره تکبر ناسزا [شنیدن] است». (3)

ص: 25

1- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 404.

2- آمدی، غرر الحکم، ص 249.

3- همان، ص 310.

عزت، ذلت، آبرو، توجه مردم، همه و همه دست خدا است؛

چنان که در قرآن می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛) (1) «هر چه هست خزاین آن نزد ما است و ما جز به اندازه ای معین آن را فرو نمی فرستیم».

خدا هم اراده فرموده که انسان های فروتن را بلند و انسان های متکبر را در دنیا و آخرت ذلیل کند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرمایند:

هر که برای خدا فروتنی کند، خداوند او را بالا برد. پس او در نظر خودش ناچیز باشد و در چشم مردم بزرگ. و هر که بزرگی فروشد، خداوند او را پست گرداند. پس او در چشم مردم کوچک باشد و در نظر خودش بزرگ. چنین کسی در نظر مردم حتی از سگ و خوک هم پست تر باشد. (2)

**

تواضع سرِ رفعتِ افرازدت *** تکبر به خاک اندر اندازدت

**

چه بسیار افرادی که در طول تاریخ به عزت و سربلندی رسیدند، در حالی که ذره ای کبر نداشتند و اساس رفتارشان جز بر تواضع و فروتنی نبوده است. هیچ کس در دنیا، پادشاهی و تاج و تخت حضرت سلیمان علیه السلام را نداشته است. «با این حال درباره این پیامبر الهی چنین نقل شده است: سلیمان پیغمبر علیه السلام هر صبح بر بزرگان و اغنیا و اشراف می گذشت تا می آمد به نزد مساکین. پس با ایشان می نشست و می گفت: مسکینی هستم با مساکین نشسته» (3).

ص: 26

1- حجر: 21.

2- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 13، ص 223.

3- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص 302.

**

هر که شد خاک نشین، برگ و بری پیدا کرد *** سبز شد دانه، چو با خاک سری پیدا کرد

**

6. توفیق عبادت

بسیارند کسانی که آرزوی عبادت، نماز شب و تلاوت قرآن را به دل دارند؛ اما موفق به این امور حیات بخش نمی شوند. یکی از راه های کسب توفیق، دوری از تکبر و پوشیدن لباس زیبای تواضع است. امام علی علیه السلام می فرمایند: «هر که دلش برای خدا کرنش کند، بدنش از طاعت خدا خسته نمی شود». (1)

**

پیوستگی به حق، ز دو عالم بریدن است *** دیدار دوست، هستی خود را ندیدن است

**

اگر انسان خود را فقیر بداند به سراغ غنی خواهد رفت. غنی هیچ گاه سراغ غنی را نمی گیرد. بلکه غنی دنبال آن است که غنی دیگری نباشد. غنی همیشه غنی را دفع می کند؛ همچنان که دو قطب همنام، یکدیگر را دفع می کنند و هیچ کدام نسبت به دیگری جاذبه ندارند. خدا غنی است. آدمی هم اگر خود را غنی بداند، دیگر خدا برای او هیچ جاذبه ای ندارد. (2)

کسی را که غذا چابک تر و قوی ترش کند از خوردن منع نمی کنند؛ حتی بیش تر هم به او می دهند. اما کسی را که با خوردن غذا، چاق و بزرگ می شود، از خوردن منع می کنند و ناچار است در حدی بخورد که از

ص: 27

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 75، ص 90.

2- حائری شیرازی، مثل ها و پندها، ج 3، ص 43.

حرکت نماند. حالات معنوی برای عده ای سرعت در سیر و چابکی به بار می آورد؛ از این رو بیش تر به او می دهند. ولی اگر کسی را مغرور و محجوب کرد، خداوند روی لطف و رحمتی را که به او دارد، قطع می کند تا چابک شود و از حرکت نماند. (1)

7. تواضع و دوری از عذاب قیامت

عذاب انسان ها در قیامت، هم از نظر نوع عذاب و هم از نظر شدت و ضعف آن، متناسب با گناهان و بیماری های روحی آنان است. انسان های متکبر نیز که در دنیا بزرگی می فروختند، در آخرت عذابی متناسب با آن خواهند داشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «روز قیامت، متکبران به صورت مورچه های آدم نما محشور می شوند و هر چیز کوچکی از روی آن هارد می شود (2) و خواری و زبونی از هر سو آنان را فرا می گیرد». (3)

امام صادق علیه السلام در روایتی هشداردهنده فرمودند:

«در دوزخ دره ای است برای متکبران به نام «سَقْر». این دره از شدت گرمای خود به خداوند عزوجل شکایت کرد و خواهش نمود که به وی اجازه دهد تا نفسی بکشد. پس نفس کشید و [از نفس خود] دوزخ را سوزاند». (4)

ص: 28

1- همان، ج 1، ص 12.

2- ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، ج 1، ص 198.

3- میرزای نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 31.

4- کلینی، کافی، ج 2، ص 310. البته به نظر می رسد این درجه از عذاب مخصوص متکبران و پادشاهان و کسانی باشد که در سایه تکبرشان ظلم های عظیمی نموده اند.

شاید پرسید که سوختن آتش چه معنی دارد؛ اما باید توجه داشت که آتش هم دارای درجات متفاوتی است. آتش ممکن است از حرارت 100 درجه تا حرارت چند هزار درجه داشته باشد. لذا حرارت های بالا می توانند حرارت پایین تر را آزار دهند.

8. فروتنی و کامل شدن نعمت ها

خیلی وقت ها ما نعمت هایی را از خدا دریافت می کنیم، اما آن نعمت ها تکمیل نمی شوند و فقط درجات پایین آن را به ما می دهند. مثلاً علم روزی ما می شود، اما درجات عالی آن برای ما مقدر نمی شود. در واقع خداوند برای عطا نمودن مراتب بعدی نعمت ها، به نوع برخورد ما و میزان شکرگزاری ما نگاه می کند.

تواضع و خاکساری یکی از اموری که شرط کامل شدن نعمت ها است. اگر نعمت های خدا باعث تکبر ما شود، خداوند از روی لطف این نعمت ها را از ما دریغ می کند. از این رو حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

(بِالتَّوَّاضِعِ تَمَّتْ النُّعْمَةُ؛) (1) «به واسطه تواضع نعمت ها تمام و کامل می شود».

در این حضرت آنان گرفتند صدر *** که خود را فروتر نهادند قدر

ره این است جانا که مردان راه *** به غره نکردند در خود نگاه

از آن بر ملائک شرف داشتند *** که خود را به از سگ نپنداشتند

ص: 29

بالاترین و کامل ترین نعمت ها، به متواضع ترین افراد تعلق می گیرد. در بین انسان ها متواضع تر از اهل بیت علیهم السلام نداریم؛ لذا بالاترین نعمت ها به ایشان اختصاص یافته است.

تواضع حضرت رضا علیه السلام

یاسر خادم می گوید:

وقتی که حضرت رضا علیه السلام از کارها فارغ می شد، همه اطرافیان خویش را از کوچک و بزرگ به دور خود جمع می کرد و با آن ها گفت و گو می نمود و انس می گرفت. آن ها نیز با آن حضرت انس می گرفتند و هنگامی که در کنار سفره می نشست، کوچک و بزرگ، حتی مسئول نگهداری حیوانات، و کسی که حجامت می نمود را کنار سفره می نشانند. یاسر می گوید: آن حضرت به آن ها فرمود: اگر هنگام غذا خوردن بر شما وارد شدم، برنخیزید تا این که از غذا خوردن فارغ شوید. گاهی آن حضرت، بعضی از ما ها را می طلبید، گفته می شد، مشغول غذا خوردن هستید، می فرمود: بگذارید غذا بخورند تا هنگامی که سیر شوند و دست از غذا بکشند. (1)

ص: 30

1- شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 159.

مرض کبر ممکن است سراغ هر کسی بیاید؛ هر چند برتری خاصی نسبت به دیگران نداشته باشد. و هیچ کس نباید خود را از این بیماری در امان ببیند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «تکبر گاهی در دون پایه ترین افراد جامعه از هر قشری یافت می شود».

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از یکی از کوچه های مدینه می گذشت. زن سیاهی در وسط کوچه سرگین (1) جمع می کرد. به آن زن گفتند: از سر راه رسول خدا کنار برو. زن گفت: راه پهن است. یکی از مردم خواست او را کنار زند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: رهایش کنید؛ او زنی متکبر است. (2)

اما هر چه انسان از موقعیت ظاهری بیش تری برخوردار باشد، به مبتلا شدن به بیماری کبر نزدیک تر است؛ بنابراین باید بیش تر از خود مراقبت کند. ثروتمندان، مدیران و مسئولان، عالمان و استادان، بزرگ ترها و هر کس که در ظاهر مزیتی بر دیگران

ص: 31

1- سرگین: مدفوع حیوانات.

2- کلینی، کافی، ج 2، ص 309.

دارد، در معرض خطر کبر است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «از تکبر بپرهیزید؛ زیرا گاهی با پوشیدن یک ردا [لباس مخصوص]، به انسان کبر دست می دهد».(1)

بر مال و جمال خویشتن غره مشو *** کان را به شبی برند و این را به تبی

شادی مکن از زادن و شیون مکن از مرگ *** زین گونه بسی آمد و زین گونه بسی رفت

چرا متکبر می شویم؟

مرحوم امام خمینی (رحمه الله علیه) ریشه تکبر را بیماری عجب و حب نفس می دانند. ایشان در این زمینه بیان دقیق و زیبایی دارند:

انسان چون خودبین و خودخواه است، این خودخواهی و محبت مفرط [زیاد] به نفس، سبب می شود که از نقایص و عیوب خود محجوب شود، و بدی های خود را نبیند؛ بلکه گاهی بدی های خود در نظرش خوبی جلوه کند، و فضایل و خوبی هایی که دارد در نظرش مضاعف گردد. و به همین نسبت، بسیار شود که از خوبی دیگران محجوب شود و بدی های آن ها در نظرش مضاعف گردد. پس چون کمال خود و نقص دیگران را دید و محبت مفرط به نفس نیز کمک کرد، در نفس یک حالت اعجابی پیدا شود نسبت به خودش. پس از این حالت، در باطن نفس، خود را بر دیگران ترفیع دهد، و حالت سربلندی و بزرگی برای او دست دهد و خود را بزرگ تر از دیگری ببیند و

ص: 32

این حالت، کبر است. و چون این حالت قلبی در مُلک بدن ظاهر شود، سرکشی و سرفرازی کند و بر دیگران در ظاهر نیز بزرگی فروشد؛ و این تکبر است. (1)

مرحوم امام رحمه الله علیه در جای دیگر یکی از ریشه های دیگر تکبر انسان را «کم ظرفیتی» می داند:

بدان که از موجبات تکبر کردن، به واسطه آن اموری که ذکر شد، یکی کوچکی دماغ و ضعف قابلیت و پستی و کم حوصلگی است. و بالجمله، چون ظرفیتش کم است، به مجرد آن که یک کمالی در خود می بیند و یک امتیازی در خود مشاهده می کند، گمان می کند دارای مقام و مرتبه ای است. با آن که اگر به نظر اعتبار و انصاف نظر کند، به هر رشته ای که وارد است و به هر کمالی که متصف است، می فهمد که آن چه را که کمال گمان کرده و به آن افتخار و تکبر نموده، یا اصلاً کمال نبوده، یا اگر بوده در مقابل کمالات دیگران قدر قابلی نداشته. (2)

گاهی تکبر ریشه در عقده های روحی و حقارت نفسی دارد که شخص در وجود خود از کودکی به ارث برده است؛ لذا سعی دارد با گردن افرازی روی کمبودها و ضعف خود سرپوش بگذارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

(مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ؛) (3)

«هیچ بنده ای نیست که تکبر یا زورگویی کند، مگر به خاطر ذلتی که در وجود خود احساس می کند».

ص: 33

1- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید)، ص 334.

2- امام خمینی، جهل حدیث (اربعین حدیث)، ص: 89

3- کلینی، کافی، ج 2، ص 312.

برای تشخیص بیماری کبر راه‌هایی وجود دارد. راه اول این است که علائم و نشانه‌های کبر را بشناسیم و ببینیم که آیا این علائم در ما وجود دارد یا نه. از این رو به برخی از علائم کبر اشاره می‌کنیم.

* برای انسان متکبر، سلام نمودن به دیگران به خصوص کوچک‌ترها، فقرا، بیماران و معلولان، مهاجران کشورهای دیگر و روستاییان سخت است. فرد متکبر توقع دارد این افراد به او سلام کنند.

* انسان متکبر همیشه دوست دارد بالای مجالس بنشیند و اگر مجبور شد پایین بنشیند، برایش سخت است.

* انتقاد نمودن دیگران به خصوص کوچک‌ترها، کارمندان و شاگردان و کسانی که رتبه اجتماعی پایینی دارند، برای انسان متکبر سخت است؛ هر چند حرفشان حق باشد.

* انسان متکبر اشتباه خود را قبول نمی‌کند و به آن اقرار نمی‌نماید. همچنین عذرخواهی نمودن برای او بسیار دشوار است.

* انجام کارهای بدنی برای او خیلی سخت است؛ مثل حمل، خرید مایحتاج خانه و بردن آن با دست به خانه، و کمک به خانواده.

* نشستن با فقرا، بیماران، معلولان و قبول دعوت ایشان، برای او خیلی سخت است.

* با کوچک‌ترین بی‌احترامی زود عصبانی می‌شود.

* امثال این کلمات از او زیاد صادر می‌شود: «با من این طور حرف نزن!» «با من مخالفت نکن»، «اگر من نبودم که تو...». «با من بودی؟!» و... .

*خیلی دوست دارد که مشهور شود و دیگران به او توجه و احترام ویژه کنند.

*از این که دیگران پشت سرش راه بروند لذت می برد و اگر از او جلوتر حرکت کنند، ناراحت می شود.

*حتماً باید بهترین و زیباترین لباس را بپوشد. اگر کمی لباسش چروک داشته باشد و چشم پُرکن نباشد، از مهمانی رفتن خودداری می کند.

*از این که دیگران در برابرش بایستند و او بنشینند و با آن ها حرف بزند لذت می برد.

*اذان گفتن و کار در مجالس اهل بیت علیهم السلام و پول جمع نمودن برای فقرا برایش سخت است.

*راه رفتنش هم مخصوص است. شانه ها را بالا می گیرد، کتف ها را باز می کند، از کنار چشم به دیگران نگاه می کند و با ابهت با دیگران صحبت می نماید.

*کمک نمودن به دیگران به خصوص کمک بدنی برایش خیلی مشکل است. بر خلاف افراد فروتن که از این کار لذت می برند.

در نقطه مقابل، انسان های متواضع بر خلاف این روش عمل می نمایند. برای نمونه به داستان ذیل توجه فرمایید:

تواضع حضرت سجاد علیه السلام

حضرت باقر علیه السلام در مورد رفتار پدر بزرگوارشان چنین می فرماید: پدرم با کسانی مسافرت می کرد که او را شناسند و با کاروانیان شرط می کرد که برخی نیازمندی هایشان را برآورده سازد و به آنان خدمت کند. در سفری آن

حضرت سرگرم خدمت به مسافران بود که فردی از آن میان او را شناخت و به اهل کاروان گفت: آیا می دانید این شخص کیست؟ گفتند: نه. گفت: این علی بن الحسین علیه السلام است. مسافران گرد آن حضرت حلقه زدند، دست و پای ایشان را بوسیدند و گفتند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا می خواهید ما دوزخی شویم؟ اگر خدای نخواستہ ما به شما بی ادبی می کردیم، بدبخت می شدیم. چه سبب شده که شما چنین کنید؟ آن حضرت فرمود: من با گروهی مسافرت نمودم که من را می شناختند، از این رو به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر به من خدمت کردند که من خود را مستحق آن نمی دیدم. از بیم آن که مبادا شما نیز چنین کنید، ناشناخته با شما همراه شدم. چرا که این گونه برای من دوست داشتنی تر است. (1)

انسان متکبر خود را از همه یا برخی از بندگان خدا بهتر می داند.

راه دوم تشخیص کبر این است که انسان به آینه نگاه کند تا خصلت های خود را بشناسد. مؤمن آینه مؤمن است. اگر انسان در سیره و رفتار مؤمنان واقعی و کامل نگاه کند، می تواند با سنگ محک آن ها خود را بسنجد. بهترین آینه ها رفتار اهل بیت علیهم السلام است. اکنون از باب نمونه با بیان زیبای مرحوم امام خمینی (رحمه الله علیه) سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را با هم مرور می کنیم:

رسول خدا، صلی الله علیه و آله که علمش از وحی الهی مأخوذ بود و روحش به قدری بزرگ بود که یک تنه غلبه بر روحیات میلیون ها میلیون بشر کرد - تمام عادات

ص: 36

جاهلیت و ادیان باطله را زیر پا گذاشت و نسخ جمیع کتب کرد و ختم دایره نبوت به وجود شریفش شد، سلطان دنیا و آخرت و متصرف در تمام عوالم بود به اذن الله - تواضعش با بندگان خدا از همه کس بیش تر بود. کراهت داشت که اصحاب برای احترام او به پا خیزند. وقتی وارد مجلس می شد پایین می نشست. روی زمین طعام میل می فرمود و روی زمین می نشست و می فرمود: من بنده ای هستم، می خورم مثل خوردن بنده و می نشینم مثل نشستن بنده.

از حضرت صادق علیه السلام نقل است که پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست داشت بر الاغ بی پالان سوار شود و با بندگان خدا در جایگاه پست طعام میل فرماید، و به فقرا به دو دست خود عطا فرماید. آن بزرگوار سوار الاغ می شد و در ردیف خود بنده خود یا غیر آن را می نشاند. در سیره آن سرور است که با اهل خانه خود شرکت در کار خانه می فرمود. به دست مبارک خویش گوسفندان را می دوشید و جامه و کفش خود را می دوخت، و همراه با خادم خود آسیا می کرد و خمیر می نمود، و بضاعت خود [نیازهای منزل] را به دست مبارک می برد، و مجالست با فقرا و مساکین می کرد و [با آنان] هم غذا می شد. این ها و بالاتر از این ها، سیره آن سرور و تواضع آن بزرگوار است. در صورتی که علاوه بر مقامات معنوی، ریاست و سلطنت ظاهری آن بزرگوار نیز به کمال بود. (1)

ص: 37

نتیجه: کبر و غرور دارای درجات شدید و ضعیف است. اگر به مواردی که ذکر شد خوب دقت کنیم، خواهیم دید که اکثر ما حداقل به مراتب و درجات ضعیف تکبر مبتلا هستیم که باید آن را درمان کنیم.

ص: 38

1. راهکارهای معرفتی

الف) خداشناسی:

اشاره

بین خداشناسی و احساس کوچکی و فقر رابطه مستقیم برقرار است. هر چه انسان عظمت و بی انتهاییی خدا را بیش تر درک کند، بیش تر احساس کوچکی می کند و بت های دروغین درونی او بیش تر خرد می شود. از این رو حضرت امیر علیه السلام می فرمایند:

(لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَنْ يَتَعَاضَمَ؛) (1) «برای کسی که خدا را می شناسد، سزاوار نیست خودبزرگ بین باشد».

**

بزرگان نکردند در خود نگاه *** خدایینی از خویشتن بین مخواه

**

ص: 39

مولوی می گوید، پشه به حضرت سلیمان علیه السلام شکایت آورد که داد من بگیر، و عدل و انصاف جاری کن. حضرت سلیمان از پشه سؤال می کند که شکایت تو از چیست؟ پشه شکایت خود مطرح می کند و درد خویش را به آن حضرت می گوید. حضرت سلیمان با استماع شکایت پشه، به وی این تذکر را می دهد که خدای متعال به من دستور داده است که در مقام داوری بین طرفین مخاصمه، باید هر دو طرف حاضر باشند و هر دو سخن خود را در حضور قاضی مطرح کنند تا قضاوت، به صورت عادلانه بین آنان جاری شود. تو نیز باید با خصم خود، یعنی «باد» در این جا حاضر شوی، و باید باد را نیز بیاوری تا هر دو سخن خود را مطرح کنید و سپس قضاوت و حکم حق را بشنوید. پشه که این را شنید، از آن حضرت خواست که خود به امر خود باد را نیز احضار کند. حضرتش باد را امر نمود که در محکمه عدل در حضور آن حضرت برای رسیدگی به شکایت پشه از وی حاضر شود.

باد با فرمان و احضار آن حضرت به محضر وی شتافت. پیدا است وقتی باد می آید، پشه را توان این که در محضر آن حضرت باشد نخواهد بود، و باید فرار را بر قرار اختیار کند و بگریزد. حضرت سلیمان به پشه خطاب کرد که کجا می روی؟ باش تا بین شما قضاوت کنم. واضح است که جواب پشه چه خواهد بود؟ (1) نکته ای که در این داستان مورد نظر است،

ص: 40

مسئله فرار پشه با آمدن باد است و این که نمی شود هم پشه باشد هم باد. معرفت خدا و خود بزرگ بینی هم همین طور است، با هم یک جا جمع نمی شوند. هر چه معرفت الهی بیش تر شود، کبر و غرور و عجب انسان بیش تر برطرف می گردد.

(ب) هستی شناسی:

اگر انسان عظمت دستگاه خلقت را بیش تر درک نماید و نسبت خودش را با این دستگاه بسنجد، معلوم می شود که تکبر او چقدر زشت و نابه جا است. قرآن تعبیر لطیفی در همین باره دارد:

(وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولاً)؛ (1) «و روی زمین، با تکبر راه مروا تو نمی توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه ها نمی رسد!»

یعنی تو کم ترین قدرت را در دستگاه خلقت داری؛ به طوری که کم ترین تصرفات را می توانی در خلقت بکنی. از طرفی تو در قیاس با کوه که نسبت به کل کره زمین خیلی کوچک است، بسیار کوچک هستی. اگر در لطائف این آیه دقت کنیم کم تر دچار تکبر می شویم. ذکر این نکته ضروری است که خطاب آیه ظاهراً متوجه پیامبر است، ولی از آن جا که آن حضرت به کلی از کبر و رذائل اخلاقی بری هستند، خطاب آیه متوجه تمام مسلمانان است، نه آن حضرت.

مرحوم امام در این زمینه بیان زیبایی دارند. (2) ایشان توصیه می نمایند که فرض کنید که یک جزء کوچک از منزلتان هستید. منزلتان یک قسمت کوچک از شهرستان شما است. شهرستان شما یک قسمت از استان شما و استان شما یک جز

ص: 41

1- اسراء: 37.

2- امام خمینی، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص 94.

کوچک از ایران بزرگ است. ایران بزرگ قسمت کوچکی از قاره آسیا است. قاره آسیا نسبت به کل کره زمین چقدر است؟ تازه کره زمین جزء کوچکی از منظومه شمسی است. منظومه شمسی هم یک جزء بسیار کوچک از کهکشان راه شیری است که در این عالم هزاران بلکه میلیون ها کهکشان وجود دارد. تازه این وضعیت عالم ماده است. در حالی که در روایت داریم کل عالم ماده نسبت به عالم برزخ مانند یک انگشتر در یک بیابان است. حال ما چی هستیم و چقدر هستیم؟ ذره ای از ذره ای از ذره ای. ما به بودن نزدیک تریم یا نبودن و نیستی؟ آیا اگر بگوییم سرسوزنی بیش نیستیم، گزاف گفته ایم؟ این همه تکبر و غرور و خودبینی، به غیر از جهل و نادانی، می تواند نشانه چیز دیگری باشد؟

**

پیش دانا از تمام علم ها بالاتر است *** خویش را با دانش بسیار، نادان ساختن

**

ج) خودشناسی:

اگر انسان میزان نیاز و فقر خود را به خداوند بشناسد و بداند که مانند تصویری بر آینه بیش نیست، هرگز دچار تکبر نخواهد شد. تصویر در آینه اگر چه همه چیز دارد و خیلی کارها می کند، اما از خود هیچ ندارد. چنان که اگر لحظه ای ارتباطش با صاحب تصویر قطع شود، نابود می شود. ما هم عین نیاز به خدا هستیم و همین ارتباط، بلکه ارتباطی شدیدتر از این را با خدا داریم. حال که هر چه داریم از دیگری است، دیگر فخر فروشی و تکبر چه معنایی دارد؟

علاوه بر این اگر نگاهی به گذشته و حال و آینده خود بیندازیم، بچه گانه و زشت بودن تکبر معلوم می شود. تا چند سال پیش

ص: 42

که اصلاً نبودیم، حتی نامی از ما نبود. بعد که به صورت قطره ای نجس (نطفه) در آمدیم. سپس لختی خون و قطعه ای گوشت شدیم. بعد نوزادی که حتی قدرت نداشت مگسی را از خود دور کند. حالا بزرگ شده ایم، با اندکی سرما یا گرما یا با یک ویروس از پا در می آییم. گاهی یک درد ما را مانند کودکی به ناله در می آورد. اگر چند ساعتی آب یا غذا به ما نرسد، باید با زندگی خداحافظی کنیم. به تعبیر بزرگان، حمال نجاسات هستیم و باز تکبر می کنیم. کافی است خدا اراده نماید، با چند ثانیه زلزله، تمام هستی و نیستی خود را از دست می دهیم.

**

نظر بیپوش زخود تا نظر توانی یافت *** بشوی دست ز جان تا گهر توانی یافت

غبار دامن صحرائی خاکساری شو *** که تاج رفعت از این رهگذر توانی یافت

**

ابر مرد عالم، امام علی علیه السلام که نامش آرامش بخش دل هاست می فرماید: «در شگفتم از آدمی زاده که آغازش نطفه ای است و فرجامش لاشه ای و در این میان انبار غائط است و با این همه تکبر می ورزد». (1)

آینده هم که هر چه پیش برویم ضعیف تر از این آینده هم می شویم؛ تا جایی که مانند برخی کهنسالان قدرت نداریم کوچک ترین کارهای خود را انجام دهیم. بعد هم که می میریم، می گندیم و بدبو می شویم و می پوسیم و از بین می رویم. حال این کبر و غرور جز جهل و نادانی چیز دیگری می تواند باشد؟ این «من»، «من» کردن ها زشت و بی جا نیست؟

ص: 43

اگر شیری اگر ببری اگر گور *** سرانجامت بُود جا در ته گور

تنت در گور گردد سفره گستر *** به گردش موش و مار و عقرب و مور

مرحوم ملا احمد نراقی می فرمایند:

اشاره

شپشی خواب و آرامش از تو می گیرد، و جستن موشی تو را از جا می جهانند. لحظه ای گرسنگی از پایت در آورد. دو درهم غذای زیادتی، باد گندیده از حلقومت بیرون می فرستد. و به اندک حرکت زمین، چون سپند از جا می جهی. بسا باشد در شب تاریک از سایه خود می ترسی و غیر این ها از آن چه من و تو می دانیم. دیگر تو را با کبر چه افتاده است؟! (1)

2. راهکارهای عملی

الف) مخالفت با نفس:

مرحوم امام خمینی در این زمینه می فرمایند:

اگر درصدد اصلاح نفس برآمدی، طریق عملی آن نیز با قدری مواظبت سهل و آسان است. تنها راه غلبه بر نفس اماره و شیطان و راه نجات، برخلاف میل آن ها رفتار کردن است. هیچ راهی بهتر برای سرکوبی نفس از اتصاف به صفت متواضعین و رفتار کردن مطابق رفتار و سیره و طریقه آن ها نیست. ... اگر نفس از تو تمنا کرد که صدر مجلس را اشغال کن و تقدم

ص: 44

بر هم قطار خود پیدا کن، تو برخلاف میل آن رفتار کن. اگر تأتف [خودداری] می کند از مجالست با فقرا و مساکین، تو دماغ او را به خاک مالیده با فقرا مجالست کن، هم غذا شو، همسفر شو، مزاح کن. (1)

خدمت در مجالس اهل بیت علیهم السلام مانند پذیرایی کردن، پیش سلام بودن، اعتراف به اشتباه، انجام برخی کارهای منزل مثل جارو کردن به خصوص در برابر دیگران و مواردی از این قبیل، رفتارهای مناسبی هستند که با انجام آنان می توانیم بیماری کبر خود را درمان کنیم.

(ب) عبادت و تذلل در برابر حضرت حق:

فلسفه بسیاری از عبادات دور نمودن کبر و نخوت از انسان است.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

خداوند بندگان مؤمن خود را به وسیله نمازها و زکات ها و جدیت در روزه داری در روزهای واجب، حفظ و حراست می کند؛ زیرا این امور باعث آرام شدن اعضا و جوارح و خشوع دیدگان و فروتنی جان ها و خضوع دل ها و بیرون راندن کبر و نخوت از وجود آنان می شود... بنگرید که این اعمال چگونه نمودهای فخرفروشی را درهم می شکند و آثار نشانه های کبر را می زداید! (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه شده است که حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟!

عرض کردند: حلاوت عبادت چیست؟ فرمود: فروتنی. (3)

ص: 45

1- امام خمینی، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص 97.

2- نهج البلاغه، ص 294.

3- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام ج: 1 ص: 201

آری، نتیجه شیرین عبادت و بندگی واقعی خدا، خضوع و خشوع دل است که این ویژگی، سختی‌ها و سنگلاخ‌های سرزمین دل را نرم می‌کند. در واقع نمود عینی و بیرونی عبادت، فروتنی در برابر مردم است.

انسان متکبر مانند کسی است که پشت به منبع نور نموده و سایه خود را می‌بیند. این شخص هر چه از نور فاصله بیش تری بگیرد، سایه خود را بزرگ‌تر می‌بیند. در حالی که سایه‌ای بیش نیست و با دیدن خود از دیدن نور و رشد در پرتو نور محروم می‌شود. در مقابل، کسی که به نور نگاه کند، خود را نمی‌بیند و از نور بهره بیش تری می‌برد. تواضع، یعنی خود را ندیدن و به بالا نگاه کردن.

یاد خدا و توجه به نور عظمت الهی، دل‌ها را خاشع و نرم می‌کند و می‌تواند شفای همه دردهای روحی و حتی جسمی باشد؛ چنان که در دعای کمیل می‌خوانیم: (يَا مَنْ إِسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ). از این رو سجده‌ها و رکوع‌های طولانی، روزه‌داری و تحمل گرسنگی، نشستن در ردیف دیگر مسلمانان در نماز جماعت، پوشیدن لباس احرام و تراشیدن موی سر و سعی در آن سرزمین نورانی و... درمان‌های مؤثری برای مرض تکبر هستند.

ج) مطالعه زندگی انسان‌های موفق:

انسان با نگاه به زیردستان خود احساس بزرگی می‌کند؛ اما اگر همیشه به بالادستی‌های خود نظر کند، احساس کوچکی خواهد کرد. از این رو مطالعه سیره، روش و موفقیت‌های بزرگان می‌تواند درمان مناسبی برای بیماری کبر باشد. توجه به حالات و موفقیت‌های بزرگان باعث می‌شود انسان به نداشته‌ها و نقائص خود پی‌ببرد. انسان نباید فقط به داشته‌های خود توجه کند، بلکه باید متوجه ضعف‌ها و کمبودهایش هم باشد.

داشتن اهداف بلند و تمرکز بر روی آن ها مانع از غرور می شود؛ چرا که در این صورت انسان همواره راه نپیموده را در نظر دارد و احساس کمبود به او دست می دهد. اما اگر اهداف بلند نداشته باشد یا در صورت داشتن به آن پشت و فقط به راه طی شده توجه کند، دچار غرور و کبر می شود.

(د) برطرف نمودن حقارت ها:

چنان که بیان شد، تکبر ریشه در حقارت های نفسانی و خلأهای شخصیتی افراد دارد که از کودکی با آن ها همراه بوده است. از این رو اگر افراد از طریق صحیح این خلأها را برطرف و در خود احساس شخصیت کنند، دیگر به تکبر روی نمی آورند تا نقص های خود را پوشانند. برای برطرف نمودن این نقص ها، انس و ارتباط با مبدأ هستی و غنی مطلق و همچنین تلاش برای به دست آوردن موفقیت های واقعی و احترام و تکریم اطرافیان، می تواند درمان مناسبی باشد.

(ه) بی توجهی به پیشرفت های ظاهری:

مقام ها و مدیریت ها برای برخی جذاب هستند، اما در نظر اهل معرفت جز مسئولیت چیز دیگری نیستند. فردای قیامت بر اساس مدرک تحصیلی، رده شغلی، میزان ثروت و میزان قدرت بازوها به کسی درجه و مقام نمی دهند. بلکه افراد را بر اساس میزان ایمان، معرفت، تقوا، بندگی، صفا و نورانیت دل رتبه بندی می کنند. مثالی زیبا در این زمینه به روشن شدن بحث بیش تر کمک می کند. فرض کنید ده نفر کنار یکدیگر ایستاده اند که از جهت قامت هیچ گونه تفاوتی با هم ندارند و همه همسان و هم اندازه اند. حال اگر در میان این ده نفر یک نفر بر روی یک وزنه سنج قرار بگیرد، آیا معقول است که خود را بالاتر از دیگران بداند؟ هرگز، چون این بالاتر و بلندتر بودن مربوط

به او نیست؛ بلکه چون بر روی وزنه سنج قرار گرفته است بلندتر به نظر می رسد. سایر افراد هم نباید خود را کوتاه تر از او بدانند؛ چون بر روی وزنه سنج قرار نگرفته اند. حال چرا آن یک نفر روی وزنه سنج قرار گرفت؟ برای این که وزن دقیقش مشخص شود. پیش از این که بر روی وزنه سنج برود، وزن او نه برای خودش و نه برای دیگران روشن نبود. آیا به مجرد این که بر روی وزنه سنج قرار گرفت، وزن دقیق او مشخص می شود؟ خیر، بلکه به علت نوسان صفحه، گاهی وزن را کم تر و گاهی بیش تر نشان می دهد. باید برای مدت کوتاهی استقرار یابد تا وزن دقیق او روشن شود. به محض این که وزن روشن شد، پایین می آید و اگر نیاید او را پایین می کشند. حال تمامی این اعتبارات و امتیازات و دارایی های دنیوی مانند شهرت، قدرت، ثروت و اعتبار، در حکم وزنه سنج هایی است که زیر پای انسان ها قرار داده می شود تا وزن دقیق ایمان و اعتقاد آن ها مشخص شود. انسان تا زمانی که روی این وزنه سنج ها قرار نگرفته معلوم نیست که تا چه میزان معتقد و مؤمن است. (1)

سؤال: به افراد کافر و فاسق، چگونه بنگریم. آیا می توانیم خودمان را برتر از آن ها بدانیم؟

پاسخ: چون عاقبت افراد را نمی دانیم، نباید عجولانه قضاوت کنیم. چه بسا افراد فاسق که توفیق توبه پیدا کردند و حتی شهید از دنیا رفتند و چه بسا انسان های مؤمن که بد عاقبت شدند؛ مانند شیطان که با شش هزار سال عبادت منحرف شد. پس باید صبر کرد تا ببینیم عاقبت آن ها و ما چه می شود.

ص: 48

1- حائری شیرازی، مثل ها و پندها، ج 3، ص 99 و 100.

1. تواضع زشت

نکته دقیقی که باید به آن اشاره شود این است که هیچ یک از صفات اخلاقی به صورت مطلق و در همه موارد قابل توصیه نیستند؛ بلکه هر صفتی دارای قیودی است. تواضع هم برای همه جا و در برابر همه کس قابل توصیه نیست؛ بلکه در برخی موارد تواضع زشت، و تکبر زیبا است. مثلاً اهل بیت علیهم السلام شدیداً فقرا را از تواضع و کرنش در برابر ثروتمندان برای ثروت و قدرتشان نهی نموده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که نزد توانگری رود و از سر چشم داشت آن چه او دارد، در برابرش گُرنش کند، دو سوم دینش از بین می رود. سپس به اصحاب فرمود: نگران نشوید؛ چنین نیست که هر کس از شخص ثروتمندی به چیزی برسد و بدین سبب او را احترام و تجلیل کند، لزوماً دو سوم دینش از بین برود. بلکه باید ببیند که آیا قصدش از

این احترام، پاداش الهی است یا می خواهد او را فریب دهد و آن چه را دارد از دستش درآورد. (1)

امام صادق علیه السلام هم در این زمینه می فرماید:

هر مؤمنی که در برابر دولتمردی یا در برابر کسی که مخالف دین او است به قصد رسیدن به چیزی از آن چه او دارد کرنش کند، خداوند او را پست گرداند و بر او غضب کند و وی را به خودش واگذارد و اگر به چیزی از دنیای آن کس برسد و چیزی از او به دست آورد، خداوند برکت را از آن بگیرد و اگر از آن چه به دست آورده است در راه حج یا عمره یا آزاد کردن بنده خرج کند، پاداشی به او ندهد. (2)

امام علی علیه السلام نیز فرموده اند:

«چه نیکو است فروتنی توانگران در برابر تهی دستان به قصد رسیدن به عطاهای الهی و نیکوتر از آن، بی اعتنایی و سرفرازی فقیران است در برابر توانگران به خاطر اعتماد به خداوند». (3)

2. تکبر زیبا

همچنین اهل بیت علیهم السلام دستور داده اند که در برابر انسان متکبر با تکبر برخورد شود و تواضع در برابر آن ها را نهی نموده اند.

مرحوم فیض کاشانی در این زمینه می فرماید:

و مخفی نماند که آن چه مذکور شد از مدح تواضع و فروتنی، نسبت به کسانی است که متکبر نباشند. اما کسی که متکبر باشد، بهتر آن است که تواضع او

ص: 50

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 89.

2- شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص 246.

3- آمدی، غرر الحکم، ص 366.

را نکنند؛ زیرا که فروتنی و ذلت از برای کسی که متکبر باشد، موجب پستی و ذلت خود است و باعث گمراهی آن متکبر، و زیادتی تکبر او می شود. و بسا باشد که اگر مردم تواضع او را نکنند و بر او تکبر کنند، متنبه شود و تکبر را ترک کند.

و از این جهت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر گاه متواضعان امت مرا ببینید، از برای ایشان تواضع کنید. و هرگاه متکبران را ببینید، بر ایشان تکبر کنید. به درستی که این، باعث مذلت و حقارت ایشان می شود».⁽¹⁾

همچنین اهل بیت علیهم السلام به خانم ها سفارش نموده اند که با مردان نامحرم با حالت تکبر و محکم برخورد کنند. از این رو تواضع خانم ها در برابر مردان نامحرم امر پسندیده ای نیست. و ممکن است مقدمه بسیاری از مشکلات اخلاقی و خانوادگی گردد. چنانچه قرآن به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش می کند که:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا).⁽²⁾ ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد. و سخن پسندیده بگویید.

همچنین خداوند متعال در سطح روابط بین الملل از ما می خواهد که با کفار و متکبرین و ظالمین، با بزرگی و تکبر و محکم برخورد نماییم نه از موضع ضعف و ترس و انفعال.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)⁽³⁾

ص: 51

1- فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج 6، ص 222.

2- احزاب: 32.

3- فتح: 29.

محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

3. تواضع دروغین:

برخی افراد ظاهراً رفتاری متواضعانه دارند. اما حقیقت این رفتار تواضع نیست. بلکه ضعف نفس و ترس می باشد. چون می ترسند و ضعیف هستند؛ برای همه کُرش و افتادگی می کنند. حداقل برخی از تواضع های ما می تواند از این سنخ باشد. از این رو لازم است در مورد ماهیت اصلی رفتارهای متواضعانه خود بیش تر دقت نماییم.

ص: 52

4. تواضع برتر:

تواضع برای همه زیبا است؛ اما هر چه انسان در ظاهر موقعیت بیش تری داشته باشد، تواضعش زیباتر است. به همین علت تواضع حاکمان، عالمان و ثروتمندان زیباتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

(إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدًا مَن تَوَاضَعَ عَن رِفْعَةٍ؛) [\(1\)](#) «برترین مردم در بندگی [خدا] کسی است که در عین بزرگی، فروتنی کند».

**

تواضع ز گردن فرازان نکوست *** گدا گر تواضع کند خوی او است

**

ص: 53

فهرست منابع:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. علامه مجلسی، بحار الأنوار، 110 جلد، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404ق.
4. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1364 ش.
5. حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، صحیفه امام، 21 جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سلام الله علیه) - تهران.
6. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، 2 جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، 1378ق.
7. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1366 ش.
8. ثقه الاسلام کلینی، الکافی، 8 جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1365 ش.
9. ملا محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء في تهذيب الإحياء، مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ چهارم، 1417 ق
10. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، هجرت، قم، پنجم، 1377 ش

11. محدث نوری، مستدرک الوسائل، 18 جلد، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، 1408ق.

12. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، نسخه نرم افزاری.

13. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 4 جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1413ق.

14. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: مکتبه الفقیه.

15. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعہ، 29 جلد، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، 1409ق.

ص: 55

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

